

پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۳۳۹

ورزشی

گزارش

با یخل و حسد نقد می‌کنند؛ صعود کردیم، ناراحت شدید؟

قلعه‌نویی در نقش گلاب‌یا تور

کنفرانس خبری پایانی امیر قلعه‌نویی پس از پیروزی ۳ بر صفر مقابل کره شمالی، بیش از آنکه یک نشست فنی باشد، تریبونی بود برای پاسخ دادن به منتقدانی که هفته گذشته تیم‌پل را زیر تیغ نقد برده بودند. قلعه‌نویی با صدایی گرفته و صورتی خسته، شمشیر کلمات را از غلاف بیرون کشید و بدون تعارف به صف کسانی تاخت که به‌زعم او، با «بخل، حسد و حقارت» چشم بر صعود تیم‌پلی بستند.

او در ابتدای صحبت‌هایش، ضمن تریک عید غدیر، از دشواری‌های این مرحله از مسابقات گفت: «دوره سختی را پشت سر گذاشتیم، شاید یکی از مظلوم‌ترین تیم‌ها بودیم، اما خدا را شکر می‌کنم که مردم، ما را تنها نگذاشتند. از رسانه‌ها هم تشکر می‌کنم؛ حتی آنهایی که در سخت‌ترین شرایط ما را نقد کردند، چون این نقدها باعث رشد ما شد.»

اما این فقط مقدمه‌ای بود برای بخش اصلی حرف‌های او: «بعد از جام ملت‌ها فشار بی‌خودی روی تیم‌پلی آمد. اما امروز، من به خودم می‌گویم خوش‌شانس‌ترین مربی دنیا هستم که با چنین بازیکنانی کار کردم، من کمترین نقش را داشتم، این تیم با تلاش بازیکنان، به‌خصوص بزرگ‌تره‌ها، به اینجا رسید. فضای تیم‌پلی سالم و حرفه‌ای است. این را همه کسانی که به اردو آمدند، تأیید می‌کنند.»

قلعه‌نویی در ادامه، گلاب‌مندا ز کسانی بود که موفقیت تیمش را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند: «برخی حتی از صعود ما ناراحت شدند! دنبال این بودند که بالا نرویم، حالا که رفتیم، دارند آن را کوچک جلوه می‌دهند. صراحتاً می‌گویم: بخل و حسادت و حقارت، انگیزه برخی نقدهاست. حتی از داور سعودی بازی با قطر دفاع می‌کنند و معتقد بودند صالح حمدانی هم باید اخراج می‌شد!»

او با لحنی صافانه و بی‌پرده، از مشقت‌های مربیگری در چنین شرایطی گفت: «وقتی توپ‌ها گل نمی‌شود و بازی گره می‌خورد، مربی تا مرز سگته می‌رود. ۲ بازیکن جوان‌مان عالی بودند ولی مجبور به تعویض‌شان شدیم. باید نگاه‌ها را تغییر داد. این نگاه فحلی، برای جام جهانی کافی نیست. من از بازیکنانم خالصیت می‌طلبم.»

قلعه‌نویی در ادامه از برنامه‌ریزی برای آینده گفت و خواستار کمک جدی شد: «باید ستاد جام جهانی تشکیل شود. همه نهادها باید درگیر شوند تا بتوانیم با تیم‌های بزرگ دنیا بازی کنیم. از آقایان پزشکیان و قالیباف درخواست دارم به ما کمک کنند. آقای عراقچی هم قرار است در این مسیر همراه تیم‌پلی باشد.»

او بر این نکته تأکید کرد که جام جهانی، زمین بازی متفاوتی است و نمی‌توان با سبک امروز وارد آن شد: «باید نگرش فنی و روانی بازیکنان تغییر کند. ۲ هفته دیگر کارمان را آغاز می‌کنیم. کلیدی‌ترین بازیکنان تیم باید یک پیش‌فصل کامل و حرفه‌ای داشته باشند. چون خرداد سال بعد، لیگ تعطیل می‌شود و آن زمان، فصل بدنسازی ما خواهد بود.»

در پایان، او به آماری اشاره کرد که به زعم خودش گویای مسیر رو به رشد تیم است: «آمار امتیاز و گل زده ما بسیار خوب بود، هرچند تعداد گل‌های خورده رضایت‌بخش نبود. باید روی این مسائل کار کنیم ولی اجازه ندیم با نقدهای غیرمصرفانه، زحمات یک نسل ناپایده گرفته شود.»

در روزگاری که نقد، گاهی مرز بین دلسوزی و خصومت را گم می‌کند، قلعه‌نویی بار دیگر یادآوری کرد او مربی تیمی است که فقط توپ نمی‌زند، بلکه می‌جنگد و گاهی، در میانه این جنگ، منتقد را با منتقم اشتباه می‌گیرد.

اخبار

رحمان رضایی: ۵ بازیکن جوان در اندازه تیم ملی نداریم!

رحمان رضایی، مربی تیم ملی فوتبال ایران پس از پیروزی برابر کره‌شمالی گفت: موقعیت‌های زیادی از دست دادیم و بالاخره فوتبال است. بازیکنان منطقی بازی کردند. تیم ملی جای بهترین‌ها است. تیم‌هایی بودند در تاریخ اروپا که با رنج سنی بالا توانستند قهرمان شوند. در یک دهه گذشته بازیکن‌سازی ما کم بوده است. وقتی تیم‌هایی مانند اسپانیا به یک باره جوان‌گرایی می‌کنند جوانان خوبی دارند اما اکنون ما به اندازه ۵ نفر هم بازیکن جوان نداریم. شما (خبرنگاران) را که کسی نمی‌شناسد ولی اگر تیم با جوان‌گرایی نتیجه‌نگیرد بقیه سرمربی و کادر فنی را می‌گیرند. ■ ■ ■

هشدار جدی فدراسیون جهانی به والیبال ایران

با توجه به پرداخت نشدن حق پخش تلویزیونی مسابقات لیگ ملت‌ها احتمال جریمه فدراسیون والیبال ایران وجود دارد.

به گزارش فارس، با وجود آغاز مسابقات تیم ملی والیبال ایران در لیگ ملت‌های ۲۰۲۵، هنوز وضعیت پخش تلویزیونی این دیدارها در لایه‌ای از ابهام قرار دارد. فدراسیون جهانی والیبال (FIVB) اعلام کرده است پخش زنده این مسابقات بدون خریداری حق پخش رسمی، تخلف محسوب شده و می‌تواند تبعات انضباطی برای فدراسیون‌های خاطی به همراه داشته باشد.

بر اساس اطلاعات به دست آمده، ظاهر سال گذشته نیز بدون پرداخت حق پخش، اقدام به پخش مسابقات شده است؛ موضوعی که ممکن است اکنون منجر به جریمه نقدی یا حتی محرومیت از میزبانی یا حضور در برخی رقابت‌ها شود.

با توجه به اهمیت مسابقات لیگ ملت‌ها بویژه برای تیم ملی ایران که یکی از مدعیان صعود به مرحله نهایی است، عدم پخش این بازی‌ها می‌تواند ناراضایتی گسترده‌ای در میان هواداران به همراه داشته باشد.

سیدمیلاد تقوی، رئیس فدراسیون والیبال درباره اینکه آیا در صورت پخش بازی بدون پرداخت حق پخش جریمه به همراه دارد، به فارس گفت: بله! حتماً وجود دارد. البته برای جلوگیری از استرس بیشتر بچه‌ها به این موضوع نپرداختیم، هر چند همین الان خبر به آنها هم رسیده است. وی ادامه داد: واقعاً متأسفم که برخی افراد آبروی مملکت و آرامش تیم ملی برای‌شان اهمیت ندارد.

سیاست‌های تبلیغاتی حکام عربستان چگونه فوتبال ملی این کشور را قربانی اهداف سیاسی کرد

سقوط سعودی

۴ تیم بزرگ عربستان یعنی الهلال، النصر، الاهلی و الاتحاد، با بودجه‌ای که گاهی از بعضی کشورها هم بیشتر است، ستاره وارد می‌کنند؛ بازیکنانی که حتی فرصت بازی در تیم‌های بزرگ لالیگا یا سری آ را دارند، راهی ریاض و جده می‌شوند، فقط چون چک‌های‌شان بدون معطلی نقد می‌شود.

اما این تجمل، بهای سنگینی دارد. در لیگی که هر تیم می‌تواند ۸ بازیکن خارجی را هم‌زمان در زمین داشته باشد، تنها ۳ جای خالی برای بازیکن عربستانی باقی می‌ماند. آن هم نه لزوماً برای بهترین‌ها، بلکه بیشتر برای تکمیل اجباری ترکیب.

جالب اینجاست که در کشورهایی مثل ژاپن یا کره جنوبی، استفاده از بازیکنان خارجی محدودتر است. در لیگ ژاپن، نهایتاً ۳ بازیکن خارجی هم‌زمان مجازند در زمین باشند. کره‌جنوبی سهمیه‌ای به نام ۳+۱ دارد. در ایران، با وجود مجوز جذب ۷ بازیکن خارجی، فقط ۴ نفر می‌توانند هم‌زمان بازی کنند. حتی قطر هم در این زمینه محتاط‌تر از سعودی‌ها عمل می‌کند ولی عربستان به دلالی که از ورزش فراتر می‌رود، تصمیم گرفته تمام درچه‌ها را باز بگذارد.

■ **تیم ملی بدون ملی‌پوش!**

نتیجه؟ تیم ملی عربستان، تیمی است پر از بازیکنانی که بازی نمی‌کنند. ملی‌پوشانی که نه در شرایط مسابقه هستند، نه آمادگی بدنی دارند و نه حتی از اعتمادبه‌نفس لازم برخوردارند. اردوهای ملی تبدیل شده به جلساتی برای مرور تمرین‌های گذشته، نه آماده‌سازی برای جنگ‌های آینده.

مانچینی که در اروپا قهرمانی آورده، وقتی وارد ریاض شد، تصور می‌کرد قرار است تیمی پرشتوانه فنی و بازیکنانی در سطح باشگاهی بالا بسازد اما وقتی فهمید با ملی‌پوشانی

طرف است که روی نیمکت الهلال و النصر می‌نشینند، راهی جز استعفا نداد. او مربی باشگاهی نبود؛ مربی تیم ملی بود و تیم ملی، بازتاب کیفیت بازیکنان داخلی است، نه ستارگان خارجی.

■ **پروژه‌ای برای جهانی شدن، نه قهرمانی**

واقعیت این است که فوتبال برای عربستان، بیش از آنکه یک ورزش باشد، یک ابزار است؛ ابزاری برای تصویرسازی و برای برندسازی بین‌المللی. آنها می‌خواهند عربستان را به جهانیان نه با ماجرای ۱۱ سپتامبر و قتل خاشقچی، بلکه با قرارداد بنزما و تیمار و رونالدو معرفی کنند. برای همین، در سیاست‌های رسمی، تیم ملی اولویت چندانی ندارد. آنچه مهم است، درخشش باشگاه‌ها در لیگ قهرمانان آسیا، جذب بازیکنان بزرگ اروپایی و فتح بازارهای رسانه‌ای است. مقامات سعودی، لیگ را نه با هدف پرورش ستاره، بلکه برای سرگرمی و تبلیغات سیاسی توسعه داده‌اند. در چنین بستری، طبیعی است تیم ملی جایگاهی حاشیه‌ای داشته باشد. نه اینکه به کلی کنار گذاشته شود اما در اولویت نیست.

■ **خطر بزرگ‌تر: بی‌هویتی**

در بلندمدت، این مدل فوتبال، عربستان را به تیمی بدل می‌کند که دیگر نه هویت دارد، نه انسجام، نه حتی افتخار ملی، ممکن است باشگاه‌های‌شان قهرمان آسیا شوند ولی در تیم ملی، باید چشم به ساق پای بازیکنانی

دوخت که آخرین بار ۶

ماه پیش در ترکیب

اصلی بوده‌اند.

توسعه یعنی فوتبال ملی، نه سیرک ستاره‌ها

نهایت، ارتقای کیفیت فوتبال ملی. بدون تیم ملی قوی، هیچ کشوری در فوتبال اعتبار ماندگاری پیدا نمی‌کند. فوتبال، مانند هر حوزه اجتماعی دیگر، نیاز به زیربنای فکری، فرهنگی و برنامه‌ریزی دقیق دارد؛ نه صرفاً پول‌های نفتی و شعارهای فانتزی.

اگر عربستان راستی به دنبال توسعه فوتبال بود، باید از نتایج تیم ملی‌اش در سال‌های اخیر درس می‌گرفت. باید می‌فهمید آوردن بازیکنان بزرگ خارجی، بدون ارتقای کیفیت بازیکنان بومی، مانند تزریق دارو به بدن بیمار است در حالی که هیچ درمانی برای ریشه درد فراهم نمی‌کند. پول می‌تواند موتور محرک باشد اما وقتی تمام توجه صرف آوردن ستاره‌های خارجی

چیزی که برای آنها اهمیت دارد، درخشش کوتاه‌مدت و نمایشی در سطح رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است؛ تبلیغات پرزرق و برق با چهره‌هایی مثل رونالدو، بنزما، نیمار، مانه، بونو، میتروویچ، فابینیو یا هر ستاره دیگر. فوتبال، در این‌لگو، نه ابزار توسعه که تنها

ویرینسی برای قدرت‌نمایی سیاسی و اقتصادی است.

■ **اما آیا این توسعه است؟ قطعاً نه!**

توسعه واقعی از دل جامعه می‌جوشد. توسعه، یعنی سرمایه‌گذاری در فوتبال، پایه، آموزش مربیان، ایجاد زیرساخت‌های اصولی، فعال کردن چرخه تولید بازیکن و در

بازیکن وقتتی بازی نکند، افت می‌کند. وقتی رقابت نبیند، تحلیل می‌رود.

وقتی مدام در تمرین، کنار رونالدو بایستد ولی هیچ‌گاه هم‌پای او در زمین ندود، نه یاد می‌گیرد، نه رشد می‌کند. فوتبال در سایه رخ نمی‌دهد؛ در افتاب مسابقه است که ساخته می‌شود.

■ **فدراسیون در سکوت، رسانه‌ها در حال مدح**

جالب‌تر آنکه، نه فدراسیون فوتبال عربستان انتقادی می‌کند، نه رسانه‌های داخلی جسارت ورود به این بحث را دارند. همه چیز، دقیقاً همان‌طور که باید، ساکت و صامت جلو می‌رود. صدای منتقدان شنیده نمی‌شود، یا اگر هم شنیده شود، جایی منتشر نمی‌شود. مانچینی رفت، بدون هیچ هیاهویی. درست مثل فوتبال ملی عربستان که دارد می‌رود، بدون اینکه کسی به عقب نگاه کند.

■ **جام جهانی ۲۰۳۴ با تیمی بی‌ستاره؟**

اگرچه عربستان میزبانی جام جهانی ۲۰۳۴ را گرفته و ممکن است افتتاحیه باشکوهی هم برگزار کند، شاید حتی کریستیانو به عنوان سفیر این رقابت‌ها در جایگاه ویژه بنشیند اما پرسش اصلی این است: در تیم ملی عربستان آن سال، چند بازیکن واقعاً در لیگ داخلی ثابت بازی می‌کنند؟ اگر سیاست‌ها تغییر نکنند، پاسخ ممکن است تکان‌دهنده باشد: کمتر از ۵ نفر! این، شکاف واقعی بین فوتبال باشگاهی

طلاپی و فوتبال ملی فراموش شده است.

والیعهد محمد بن سلمان، فوتبال ملی را قربانی اهداف دیگر کرده است و برای لمس واقعیت شاید باید یک دهه دیگر صبر کرد. اگر آنها سیاست فعلی را کنار نگذارند تیم ملی سعودی رسماً تبدیل به قدرت درجه ۲ آسیا می‌شود؛ جایی برای بهترین بازیکنان جهان اما خالی از ستاره عرب چون اصولاً بازی به آنها نمی‌رسد. اگر حضور ۶ بازیکن عربستانی در لیگ خودشان اجباری شود شاید آن وقت تناسب تعدادی بین باشگاهداری در حد بهترین‌های جهان و تیم ملی بی‌خطر سعودی برقرار شود.



شود، آن‌وقت فوتبال داخلی به حاشیه رانده می‌شود و بازیکن بومی، قربانی این نمایش پرخرج می‌شود. در واقع، سیاست کنونی عربستان، دقیقاً برخلاف مسیر توسعه است. چرا؟ چون هر سیاستی که منجر به تضعیف جامعه، سرکوب استعدادهای بومی و اولویت دادن به اهداف سیاسی و تبلیغاتی شود، ذاتاً ضد توسعه است. توسعه یعنی رشد جامعه؛ چه در اقتصاد، چه در فرهنگ و چه در ورزش. فوتبال هم مثل آموزش، مثل بهداشت، مثل فرهنگی بخشی از شاکله اجتماعی یک کشور است. اگر بخواهی جامعه‌ای پویا، سالم و رو به رشد بسازی، باید روی همه اجزای آن کار کنی؛ نه فقط روی نوا فکن‌هایی که می‌خواهی به دنیا نشان بدهی. عربستان به جای اینکه فوتبال را «توسعه دهد»، آن را «نمایش می‌دهد» و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که می‌تواند به فروپاشی درونی این پروژه پرزرق و برق منتهی شود.

پایان مرحله مقدماتی جام جهانی در آسیا با پیروزی قاطع ایران برابر کره شمالی

آتش بازی در خانه



شد به تیمی گیج، ناتوان و بی‌رق. تنها ۴ برد، ۵ باخت و ایستادن در رده چهارم گروه، تمام چیزی بود که عنایی‌ها از این مرحله به دست آوردند. نه شخصیت تیمی دیده شد، نه تداوم افتخار. آنها در قامت یک مدعی آمده بودند اما در نهایت به مرحله بعد رفتند.

■ **امارات: همان تیم متوسط همیشه**

امارات عربی متحده هم نه بهتر از قطر بود، نه بدتر. همان تیم همیشگی که او را می‌بری اما نه با ترس، ۱۵ امتیاز، جایگاه سوم و چشم به مرحله بعد؛ جایی که ۶ تیم

کیفیت نمایشش چیزی از تیم اول گروه کم نداشت. آنها با «سرو کاتانج» وارد شدند اما با «تیمور کاپادزه» به هدف رسیدند. برای کشوری که سال‌ها آرزوی حضور در جام جهانی را داشت، این صعود فقط یک موفقیت فوتبالی نبود؛ یک جشن ملی بود.

■ **قطر: سقوط آزاد تیمی که قهرمان آسیاست**

اما آن طرف جدول، همه چیز رنگ شکست داشت. قطر قهرمان، قطری که در ۲ دوره اخیر جام ملت‌های آسیا همه را کنار زد و قهرمان شد، در مرحله انتخابی جام جهانی تبدیل